



# کودک شاعر یا شاعر کودک

نگاهی به کتاب «شعر و کودکی» زنده‌یاد دکتر قیصر امین‌پور

دکتر احمد رضایی\*



شعر و کودکی  
قیصر امین‌پور  
انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۵

حاضر حاصل زحمات ایشان است، اما گویا تقدیر اینچنین بود که این گفتار بعد از کوچ ابدی شاعر «تنفس صبح» به چاپ برسد. به هر حال «کتاب‌ماه ادبیات» ترجیح داد تغییری در مقاله صورت ندهد و آن را همچنان که بود، منتشر نماید. بی‌گمان اگر قیصر امروز در میان ما بود، از شنیدن اظهار نظر همکارش درباره یکی از پژوهش‌های ادبی خود شادمان بود.

خلاقیت شعری یا چگونگی خلق اثر هنری از دیرباز توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. هر کس از منظری تلاش نموده پاسخی برای این پرسش یابد که اثر هنری چگونه خلق می‌شود؟ از روزگاران کهن الهام در شعر، تلقین سروش و تابعه، تقلید و ... از جمله مباحثی بوده که به عنوان منشاء آفرینش شعر مطرح گردیده است در روزگار کنونی نیز محققان دست از تلاش برنداشته، از زوایای نوینی به موضوع نگریسته‌اند، به ویژه در بسیاری از حوزه‌های ادبی از روانشناسی جدید سود بردند و با کمک این

اشاره

کتاب ارزشمند «شعر و کودکی» بررسی تحلیلی شعر و بیوند آن با دوره کودکی آدمی است به قلم شاعر گرانقدر، زنده‌یاد دکتر قیصر امین‌پور. مرحوم امین‌پور از جمله معدود شاعران روزگار ما بود که علاوه بر طراوت ذهن و تسلط اعجاب‌انگیز به ذات کلمات، شناختی دقیق و علمی از شعر و ادبیات روزگار ما داشت و تحلیل‌های نقادانه او در باب ساختار کلام شاعرانه در دوره معاصر، خواننده را به درکی عمیق نسبت به ادبیات معاصر ایران نائل می‌کند. «کتاب‌ماه ادبیات» در راستای انجام رسالت خود که همانا نقد و بررسی آثار ادبی و بحث درباره آثار پژوهشی در زمینه ادبیات است، در اردیبهشت ۸۶ کتاب «شعر و کودکی» زنده‌یاد امین‌پور را به یکی از پژوهشگران حوزه ادبیات سپرد و درخواست کرد تا نظر خود را درباره آن بنگارد. آقای دکتر احمد رضایی نیز خواسته «کتاب‌ماه ادبیات» را اجابت کرد و مقاله

## کتاب «شعر و کودکی» تألیف دکتر قیصر امین‌پور به رابطه بین شعر یا ذهن شاعر و مراحل رشد کودک یا به تعبیری ذهن کودک پرداخته است و سعی نموده دریچه جدیدی را در این حوزه بر خوانندگان بگشاید



را که در «اینجا و آنجا» آمده است، ارائه می‌کردند تا خواننده از کیفیت و چگونگی کارهای انجام شده مطلع شود.

ب: نویسنده یکی از دلایل انتخاب پیاژه را «تناسب نظریات او با بحث مورد نظر» می‌داند (ص ۱۱) به نظر می‌رسد چنین دلیلی نوعی مصادره به مطلوب است یعنی از آنجا که مباحث او با نظر پیاژه یا بالعکس، تطابق دارد، پس پیاژه انتخاب شده است. از سوی دیگر مؤلف محترم در ابتدای پیشگفتار تأکید نموده، قصد ندارد «پر و بال شعر را در چارچوب نظریه‌ای خاص» ببندد. در اینجا نیز نوعی پارادکس در گفتار است. زیرا همانطور که مطرح شد وی اساس کتاب را بر پایه نظریات پیاژه گذارده است.

۲. در فصل اول کتاب مؤلف ارجمند با مقایسه مراحل تحول شناخت کودک از دیدگاه پیاژه و مقایسه آن با شاعر یا به تعبیری ذهن شاعر نکات ارزشمندی را بیان کرده‌اند. این بخش که اساس مطالب کتاب را دربر می‌گیرد به صورت بسیار مختصر و کلی - که البته مؤلف در ابتدا اشاره کرده‌اند (همان، ۱۵) تنها به معدودی از تحولات دوران رشد کودک پرداخته است پرسش و ابهام در اینجا است که مؤلف بر اساس چه معیاری چند مطلب و عنوان را مهم‌ترین بخش نظریات پیاژه دانسته‌اند؟ زیرا این دوران را به صورت از تولد تا یک سالگی، از یک تا سه سالگی، از سه تا شش سالگی و از شش تا دوازده سالگی تقسیم می‌کنند<sup>۲</sup> مضاف بر این که در هر دوره‌ای تحولات مختلفی در ابعاد جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و... به وجود می‌آید. از سویی ممکن است چنین تحولاتی نسبت به جنسیت کودکان متفاوت باشد. پس به راحتی نمی‌توان از مجموع این عوامل، که هر کدام در جایگاه خود بسیار مهم تلقی می‌شوند، چند عامل را مطابق با دیدگاه مورد نظر انتخاب نمود. علاوه بر آن نباید فراموش نمود که در نظریات علمی و به ویژه دیدگاه‌های رشد کودک عامل زمان بسیار مهم است. یعنی امروزه در حوزه روانشناسی کودک بر اساس تحقیقات بالینی نکات عدیده‌ای بر دیدگاه‌های پیاژه افزوده شده که نمی‌توان از آن غافل بود. نکته دیگری که در این بخش باید بدان توجه نمود نتیجه‌گیری‌های سریع مؤلف است که به چند مورد اشاره می‌شود:

الف: در بخش خودمیان‌بینی کودک، آمده است: «می‌توان گفت خودمیان‌بینی هسته مرکزی ویژگی‌های تفکر کودک است خودرورترین صورت تفکر، بازی یا تخیل است. کودک از طریق کار کردن یاد می‌گیرد و جهان را تنها مشاهده و تقلید نمی‌کند بلکه تفسیر می‌کند کودک فیلسوفی است که جهان را به گونه‌ای که تجربه کرده است درک می‌کند، خود را مرکز کائنات می‌داند. (همان، ۱۹) بعد در ادامه

دانش تلاش کرده‌اند در شناخت آثار ادبی، گامی دیگر بردارند.

کتاب «شعر و کودکی»<sup>۱</sup> تألیف دکتر قیصر امین‌پور نیز تلاشی است در ادامه همین مسیر مؤلف از زاویه‌ای دیگر به رابطه بین شعر یا ذهن شاعر و مراحل رشد کودک یا به تعبیری ذهن کودک پرداخته است و سعی نموده دریچه جدیدی را در این حوزه بر خوانندگان بگشاید. طرح چنین مبحثی به خصوص از جانب مؤلفی ذوجهین، بسیار حائز اهمیت و در خور تأمل است؛ زیرا مؤلف هم در حوزه خلق شعر و آفرینش ادبی و هم در حوزه نقد آن شخصیتی تواناست. وی در پیشگفتار متن هدفش را چنین بازگو می‌کند: «گمان ما این است که برای شناخت ساده‌تر هنر به ویژه شعر می‌توانیم به کودکی برگردیم. در اینجا کودکی به عنوان نخستین دوره زندگی هر انسان مورد نظر است، نه دوره زندگانی انسان نخستین» (امین‌پور ۱۳۸۵: ۱۰)

کتاب مذکور دارای یک پیشگفتار و دو فصل اصلی به شرح زیر است:

۱- دوره حسی - حرکتی

۲- دوره عملیات عینی

الف - مرحله پیش‌عملیاتی (دو سال اول زندگی)

ب - مرحله عملیات عینی (هفت تا یازده - دوازده سالگی)

۳- دوره عملیات صوری (قیاسی) (از دوازده تا پانزده سالگی)

الف - خودمیان‌بینی

ب - زبان

ج - کشف فضا، زمان و عدد

فصل دوم - ویژگی‌های بازگشت به کودکی

با مطالعه کامل کتاب، به نظر می‌رسد اگر به نکات دقیق‌تر پرداخت

شود و یا در آنها بازنگری گردد مطالب آن مفیدتر خواهد بود در اینجا به برخی از چنین مسائلی اشاره می‌شود:

۱. در پیشگفتار، نویسنده در پی تبیین و توضیح موضوع بر آمده و معتقد است «آنچه تا کنون در این زمینه دیده‌ایم، اگرچه تا حدودی تب و تاب جست‌وجو را تسکین می‌دهد، ولی به نظر می‌رسد که پرده‌ای از پیش چشم ما برداشته‌اند و پرده‌های دیگر بر آن بسته‌اند.» (همان، ۱۹) اما چند موضوع و مسئله در پیشگفتار درخور تأمل است:

الف: مؤلف محترم معتقدند «البته این سخن که شعر نوعی بازگشت به کودکی است، گاه‌گاه به همین صورت کلی و جعل در اینجا و آنجا مطرح شده است ...» (همان، ۱۰) از آنجا که لازمه کار پژوهشی علمی بیان پیشینه علمی موضوع است، چه خوب بود نویسنده پیشینه پژوهش



از جمله نتیجه‌گیری‌های سریع دیگر در ادامه مطلب فوق است در ظاهر به نظر می‌رسد که بین شعر که عالی‌ترین و پیچیده‌ترین جلوه تکامل زبان است که زبان کودک که ابتدایی‌ترین صورت زبان به حساب می‌آید، هیچ‌گونه شباهتی نیست؛ اما اگر بپذیریم که «شعر حادثه یا رستاخیز است در زبان»، آنگاه می‌بینیم که از این حادثه‌ها در زبان کودک کم اتفاق نمی‌افتد. (همان، ۳۸)

همانطور که ملاحظه می‌شود بدون هیچ استنادی شعر عالی‌ترین جلوه تکامل زبان قلمداد شده است، علاوه بر آن در بخش پایانی، با بیان نقل قولی که می‌توان گفت چارچوب و مبنای علمی در آن دیده نمی‌شود؛ نتیجه گرفته‌اند که چنین ویژگی‌هایی در زبان کودکان نیز بسیار اتفاق می‌افتد؛ به عبارتی دیگر فضایی را که فراهم کرده‌اند که تنها در صورت مغالطه چنین نتیجه‌ای از آنها به دست می‌آید.

۳. مطالب دیگری که باید در این فصل به آنها توجه داشت مثال‌هایی است که مؤلف محترم در موارد گوناگون ذکر نموده‌اند؛ البته همانطور که در پیشگفتار گفته‌اند برای رعایت اختصار از توضیح و شرح مثال‌ها خودداری نموده‌اند (همان، ۱۴) لیکن چه خوب بود در موارد مختلف نمونه‌ها تبیین می‌گردید. درباره نمونه‌ها چند نکته درخور تأمل است:

الف: توجه نکردن به فضای متن و مخاطب و... : مثلاً برای توضیح خودمیان‌بینی کودک، شعر «موسی و شبان» مولوی به عنوان نمونه ذکر شده است. «وقتی مولوی می‌خواهد به جای یک شبان ساده و روستایی و ابتدایی بیندیشد و از زبان او سخن بگوید، دقیقاً خود، آن‌گونه که اندیشیده است و هدایایی که برای محبوب خود برمی‌گزیند تا نثار او کند همه از روی خودمیان‌بینی است» (همان، ۲۲) گذشته از نتیجه‌گیری سریع، باید توجه داشت زبان این حکایت بر اساس آداب‌دانی در متن (*decorum*) است و اتفاقاً چنین شیوه‌ای بیانی از مباحث مهم سبک‌شناسی بیانی است. در اینجا کیفیت متن و ساختار شخصیت اقتضا می‌کند که شاعر این‌گونه از جانب او سخن بگوید یا در داستان منقول از گلستان سعدی:

یکی یهود و مسلمان نزاع می‌کردند  
چنانکه خنده گرفت از حدیث ایشانم  
به طیره گفت مسلمان گر این قباله من  
درست نیست خدایا یهود میرانم

یهود گفت به تورات می‌خورم سوگند

وگر خلاف کنم همچو تو مسلمانم (همان، ۲۳)

که فضای حاکم بر متن آنچنان که خود سعدی از آن با تعبیر خنده

آمده است اگر در جملات بالا، کلمه «کودک» را برداریم و به جای آن شاعر را بگذاریم تفاوتی حاصل نخواهد شد و باز هم جملات درست خواهند بود. (همان، ۱۹) چنین متنی بیش از این که ساختار علمی داشته باشد ساختاری انشایی دارد که متناسب پژوهش علمی نیست. مضاف بر این که ممکن است هنگامی که واژه «شاعر» را به جای کودک می‌گذاریم متن از نظر دستوری تغییر نکند لیکن نوع تخیل، اندیشه و نگرش کودکان همان‌طور که مؤلف بارها و بارها در طول کتاب تأکید کرده‌اند با شاعر فرق می‌کند. حتی زمان، جنسیت در چنین موضوع بسیار متفاوت است پس نمی‌توان به آسانی شاعر را به جای کودک قرار داد. بر همین اساس مؤلف، «جاندار پنداری» یا تشخیص را جلوه‌هایی از تفکر کودکانه دانسته‌اند. (همان، ۲۱) که این موضوع نیز با توجه به مقدمات، نتیجه‌ای درخور تأمل و به گونه‌ای شتاب‌زده است زیرا با چنین استدلالی بخش عظیمی از آثار ادبی در حیطه این نگرش قرار می‌گیرد.

ب: در بحث زبان (کودک) آمده است: «کودک همچنان که از تکلم خودمیان‌بین خلاص می‌شود، بازی‌های زبانی با اصوات و ریتم‌ها و نیز بازی‌هایی که با خواندن آواز همراه است، به او کمک می‌کند تا انعطاف‌پذیری تکلم را بشناسد. پس از مدتی، تمرین در ساختن قافیه (و جناس‌سازی) و گفتن مطالب جالب و خوشمزه به کودک کمک می‌کند تا مجموعه لغات خود را افزایش دهد.» (همان، ۲۷) علاوه بر این که بخش انتهایی مطلب فوق بسیار انشایی است، نویسنده کیفیت قافیه‌سازی و جناس‌سازی کودکان را روشن نکرده‌اند. منظور از قافیه‌سازی کودک چیست و چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا می‌خواهند از این مطلب نتیجه بگیرند که شاعران و کودکان یا بالعکس، در قافیه‌سازی و جناس‌سازی مثل هم عمل می‌کنند؟

## شاید اگر نویسنده محترم به جای مقایسه ویژگی‌های رفتار و روانی کودک و مطابق آن با ذهن و دنیای شاعرانه از همان آغاز به تحلیل مختصات اشعاری که یادآور روزگار کودکی‌اند یا به گونه‌ای حسرت‌آمیز از آن روزگار یاد می‌کنند می‌پرداخت، و از فصل نخست صرف نظر می‌نمود، نتیجه مطلوب‌تری حاصل می‌شد



نه بخشی از آن را، شاید بتوان گفت در برخی قالب‌های کهن می‌توان بر اساس یک بیت تا حدودی نکته‌ای را بیان کرد لکن در شعر نو به نظر می‌رسد باید کلیت متن را در نظر گرفت و بر اساس آن قضاوت کرد. جدا کردن بخشی از متن و آن را برای تأکید و تأیید دیدگاهی آوردن، نوعی مصادره به مطلوب است.

۴. فصل دوم کتاب با عنوان ویژگی‌های بازگشت به کودکی از انسجام و ساختار منطقی خوبی برخوردار است. در مجموع می‌توان گفت در این فصل خواننده کمتر با دیدگاه‌های ذوقی روبه‌رو می‌شود و مدار و منطق بحث از چارچوب علمی‌تری برخوردار است. شاید اگر نویسنده محترم به جای مقایسه ویژگی‌های رفتار و روانی کودک و مطابق آن با ذهن و دنیای شاعرانه از همان آغاز به تحلیل مختصات اشعاری که یادآور روزگار کودکی‌اند یا به گونه‌ای حسرت‌آمیز از آن روزگار یاد می‌کنند می‌پرداخت، و از فصل نخست صرف نظر می‌نمود، نتیجه مطلوب‌تری حاصل می‌شد.

۵. عنوان «گزیده کتابنامه» در کار علمی چندان درست نیست. نویسنده موظف است تمام منابعی را که در تحقیق استفاده کرده، ذکر نماید تا خوانندگان به راحتی به منابع پژوهشی دسترسی داشته باشند؛ البته نویسنده عمده منابع فارسی این حوزه را از نظر گذرانده است.

در مجموع می‌توان گفت موضوع پژوهشی کتاب مذکور موضوعی در خور تأمل و توجه است و اگر از برخی قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌های سریع، شتاب‌زده و استحضانی که خصوصاً در فصل اول به صورت گسترده آمده است، بگذریم، فصل دوم کتاب حاوی مطالب ارزنده‌ای است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف در شناخت متون ادبی مورد توجه باشد.

### پی‌نوشت:

\* عضو هیأت علمی گروه ادبیات فارسی دانشگاه قم.

۱. امین‌پور، قیصر، شعر و کودکی، چاپ اول، مروارید، تهران، ۱۳۸۵.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

روشن، رسول و همکاران، روانشناسی رشد (۱)، چاپ اول، نشر میثاق، تهران،

۱۳۷۶، ص ۱۰۱ به بعد.

۳. برای نمونه رجوع شود به:

شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی چاپ دوم، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۳،

ص ۱۱۸ به بعد.

Bradford Richard stylistics first published 1997.

Routledge new york .p 73.

Sengupta.s.p and other advanced literary essays, Sixth edition 1995 published by RAMA BROTHERS p 461.

یاد کرده است، طنز موجود در متن است که نویسنده محترم آن را از موارد خود میان‌بینی دانسته‌اند و آورده‌اند «داستان نزاع یهود و مسلمان سعدی در گلستان ازین گونه است که هر کدام تنها خود و بینش خود را در نظر می‌گیرند.» (همان ص ۲۳)

پرسشی که به ذهن می‌رسد این که آیا هر بیان اندیشه‌ای خود میان‌بینی است؟ اگر چنین باشد باید نمونه‌های آن را از خلال مناظرات شعری ذکر کنیم؛ از سوی دیگر آیا چنین بیانی یا رفتاری معادل تعریفی است که در ص ۱۸ از خودمیان‌بینی آورده شده است «حالت روانی بهنجار که در آن تمایز بین واقعیت شخصی و عینی مشهود است.»

ب: بسیاری از مثال‌ها از خلال متن، و بدون این که خواننده قبل و بعد آن را بداند یا مؤلف آن را توضیح بدهد، ذکر شده‌اند نمونه‌های آن در سراسر این بخش فراوان است. مثلاً در بخش بازی‌ها نویسنده استعاره، حسن تعلیل، کنایه، تشبیه و انواع صور خیال را (همان، ۳۱ - ۳۲) جزو بازی‌های شاعرانه می‌داند که البته بخشی از این گونه موارد قبلاً در بخش خود میان‌بینی شاعر (همان ۲۰ - ۲۱) قرار گرفته بود. مثلاً در نمونه زیر که در بخش بازی‌ها آمده است هیچ توضیح برای خواننده وجود ندارد تا فرض مؤلف معلوم شود:

ما چون دو دریچه روبه‌روی هم

آگاه ز هر بگو مگوی هم (اخوان)

همین وضعیت در بخش زبان نیز مکرراً دیده می‌شود. نویسنده پس از بیان ویژگی زبان کودکان ادعان می‌دارد بسیاری از مسائل و ابهام‌های شعر با دانستن این مطالب قابل توضیح است (همان، ۴۵ - ۴۶) سپس نمونه‌هایی را ذکر کرده است و قبل از آن عقیده دارند «مثلاً بسیاری از شعرهای فروغی و سپهری و... از این طریق بهتر از رخ نقاب می‌کشند» (همان، ۴۶) لکن هیچ توضیحی آورده نمی‌شود مثلاً در نمونه زیر مخاطب چگونه می‌تواند نقاب شعر را با توجه به زبان و ارتباط آن با زبان کودک دریابد و اصولاً کدام نقاب زبانی را باید دریابد:

در جست‌وجوی کفش آبی بودم

کفاش قهوه‌ای آورد و سبز فروخت

نوروز کفش نویی باید داشت

نوروز برف غریبی می‌بارد

(صفارزاده) (همان، ص ۴۶)

نکته در این است که نمی‌توان بر اساس بخشی از شعر بخصوص شعر نو قضاوت نمود. به دیگر سخن باید همه متن را در نظر گرفت و